

سلام علیکم و رحمة الله.

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين. و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين. (صلوات حضار و حاج آقا)

این که گفت: شادمانیم که در بین همه پیشه‌گران / پیشه ما شده با عشق تو مأوا کردن ما موضوع کارمان آقای آقای رحیم خوب گفت. موضوع کارمان خانواده است اصلاً از اول همین بود دیگه. ما همه نگاه‌های مان را دوختیم به یک خانه گلی کوچولو توی مدینه که مرکز هدایت و فرماندهی عالم بوده. شاید کم کسی از درب آن خانه بی‌عایدات برگشته، اتفاقاتی که توی آن خانه افتاده، اتفاقاتی که برای اهالی آن خانه افتاده. همه اول و آخر مسأله‌های عالم است از نظر ما. خبری نیست، از نظر ما خبر دیگری نیست توی عالم. هر خبری هست توی کربلاست، که می‌گویند میدان جنگ است آن جا هم سیدالشهداء زن و بچه‌اش را برداشته آورده. اصلاً کلاً خانوادگی است. اصلاً موضوع دیگری برای گفت‌وگو نداریم. من چون می‌دانم همه شما بزرگواران حرف‌های زیادی دارید برای گفتن علی‌الخصوص در مورد سازمان تبلیغات به بنده حقیری که خودم را با افتخار خادم شما می‌دانم. شما که خادم اهل‌بیت هستید ما خادم و نوکر شما می‌دانیم خودمان را. دوست دارم بشنوم فرمایشات‌تان را. به اقتضای آن دستوری که به بنده دادند چند جمله‌ای عرض می‌کنم بعد اگر اجازه بدهند مسئولین. من چند جمله‌ای بشنوم از محضرتان و ان‌شاءالله بهره‌ای بگیریم. من فکر می‌کنم این موضوع محوری خانواده و اهل‌البیت در هیأت محل تعمق بیشتر دارد. اما اگر از این هم بگذریم اقلش این است ما سرباز آقا هستیم. این هم گفته شد. سرباز انقلاب هستیم، سرباز این مکتب هستیم و به فضل خدا می‌خواهیم با هیأت روی مسأله‌ها و نظام اولویت‌های رهبرمان به فضل خداوند عالم کمک حال باشیم. این بیانیه گام دوم که آقا صادر فرمودند هم یک توصیف و تحلیلی از گام اول عرضه کردند یک نبضی از جامعه گرفتند، موقف امروز جامعه را و انقلاب را و مردم را و حاکمیت را توصیف کردند و تحلیل کردند و نقطه‌های قوت را با دقت، به رخ کشیدند و نقطه‌های ضعف را در موردش حرف زدند. هم در مورد گام پیش‌رو ضرورت‌هایی را گفتند. یکی از جاهایی که توی مجموع فرمایشات آقا برمی‌آید ما ضعیف عمل کردیم، تو حوزه مثلاً سبک زندگی بوده. چند جا تا به حال آقا فرمودند ما این جا توفیقاتی داشتیم ولی اصلاً قابل دفاع شاید به معنایی که بگوییم ما به نقطه‌هایی که باید می‌رسیدیم اصلاً

نیست. ما توی موضوع علم و فن آوری اوضاع قابل دفاعی داریم، آن جا هم شاید بشود چهار تا نکته اصلاحی گفت. ولی وضعیت قابل دفاعی داریم، مثال عرض می‌کنم ولی توی سبک زندگی که قرائت‌های ژرف و ادق از مقوله سبک زندگی دست کم ایرانی اسلامی به خانواده پیوند می‌خورد بخواهیم یا نخواهیم، اصلاً سبک زندگی با خانواده با هم طرح بحث باید بشود. این دو تا بحث نیست. که ربطی قرار است به هم برقرار بکنند. اساساً سبک زندگی در نسبت با موضوع خانواده باید فهمیده بشود و باید برایش چاره‌اندیشی بشود، حتماً وجه همت را می‌خواهد به فضل خداوند عالم. اگر جهاد امید و مبارزه با ناامیدی مسأله امروزمان است، مسأله اهتمام به خانواده، ببینید وقتی آقا نبض جامعه را می‌گیرد، ازدیاد طلاق به عنوان یک معضله و عارضه در کلان مسأله خانواده حتماً برای ما مسأله درست می‌کند. یعنی ما سرمان را نینداختیم پایین. ما ناظر به دردهای انقلاب و پیش‌برد مکتب، اساساً روضه سیدالشهداء، اساساً مجلس اهل بیت، اساساً هیأت پیش برنده مکتب است. محرم و صفر است اسلام را زنده نگه داشته است، فرض ذهنی ماست. آقا علت مبقیه انقلاب اسلامی همان علت محدثه انقلاب اسلامی است. اگر محرم و صفر اسلام را زنده نگه داشته، اگر عامل پیروزی انقلاب حتماً مجلس روضه سیدالشهداء است، یا سهم معتنابه یا اساسی و ریشه‌ای را باید این جا جست‌وجو کرد از این به بعد هم همین است. گام به گام به سمت آفاق تمدنی و نیل به ولایت عظمای حرکت می‌کنیم حتماً این جا سهم قائل هستیم برای هیئات مذهبی. مسأله‌های روز انقلاب را با هیأت‌ها به فضل خداوند عالم حل خواهیم کرد، این حرف اصلاً حرف گزافی نیست. این جا هیأت‌های شاخص جمع شده‌اند، ما دست کم صد هزار هیأت مذهبی ثبت شده توی این مملکت داریم. نمی‌شود مسأله‌های اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی را با این هیأت‌ها حل کرد، حتماً می‌شود حل کرد ولی توی مسأله‌های اجتماعی و حتی آسیب‌ها و آفاتی که ما با آن دست به گریبان هستیم آن‌چه که به خانواده برمی‌گردد وجه تقدم و اهمیت دارد.

عرض بنده این است چون حالا به من هم گفتند بحث مبنایی کن. دوست داشتم یک قدری بحث کاربردی و عملیاتی با هم بکنیم. علی‌المبنا، دوگانه فرد و جامعه هم محل نقد و تقاش است و محل مناقشه. توی معارف و تعالیم اهل بیت ما با فرد و خانواده و جامعه طرف هستیم. نه با فرد و جامعه، آن وقت می‌گویند خانواده چیست؟ می‌گویند کوچک‌ترین نهاد اجتماعی مثلاً مستقر اسمش می‌شود خانواده. توی فرد نه، توی جامعه یک چیزی

داریم به اسم خانواده. یکی از زیر نهادها است. توی ادبیات دینی این طوری نیست. ما یک بحث مفصل فرد داریم، یک بحث مفصل جامعه، یک بحث مفصل خانواده این سه هم متماسک به هم وصل هستند و از یک منظر و از یک برش، از یک منظر حتماً دستگیره تحول جامعه، مسیر حرکت به سمت تمدن سازی است. حتی کنترل های فردی، پروای شخصی، تقوای انسان به خانواده ربط دارد. غیر از این که فرزند توی خانواده می تواند اهل مراقبت و تقوا بار بیاید و بزرگ بشود، بیش از این دارم می گویم. دستگیره اصلاح فرد و جامعه از یک منظر حتماً خانواده است. حالا این بحث فلسفی می طلبد که شاید شرایط این جلسه اجازه ندهد که به تفصیل وارد آن بشویم. این که می فرماید خداوند عالم بنایی محبوب تر از خانواده نزد من وجود ندارد، بناء ببینید بناء، ابنیه اصلاً ویژگی شان صیانت است. خانه که به خانواده پیوند وسیع خورده عامل حفاظت است، عامل صیانت است. بنایی که صیانت می کند از انسان و از جامعه و از بشریت خانواده است. لذا دشمن بشریت با خانواده می جنگد. ابلیس روایت داریم در آخر الزمان به بسط ید و شرح صدر در کفر می رسد، چه کار می کند؟ در گستره جهانی با فطریات بشر می جنگد، خانواده فطری است. اصلاً دین ما « فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا » (روم/۳۰) خود دین است. فطرت خود دین است. لذا حتماً یک نزاع گسترده پیچیده تمدنی اولین جلوه اش هم می تواند همین باشد. آقا محصول، حرف حساب توی حوزه خانواده پدید بیاورید منحصر به جامعه ایرانی و زبان فارسی و نمی دانه ترکی و زبانی که دارید هیأت برگزار می شوید نیست. مصرفش حتماً جهانی است. حرف حساب، کار هنری توی حوزه خانواده، نوحه، روضه توی حوزه خانواده حتماً گستره جهانی مشتری و مخاطب دارد. وظایف بین المللی مان هم به این موضوع حتماً گره خورده و می خورد. حالا دیگه یک وقت ذهن های مان می رود سمت این که خب هیأت مان بخش خواهرانش قوی هست یا نیست؟ آدم ها می توانند خانوادگی شرکت بکنند، مهدکودک، روضه الصبیان داریم گوشه حسینی، بچه ها می توانند یک جایی بازی بکنند یا نه؟ مربی کودکان مضمون است که امشب تو نوحه خوانده می شود را به زبان کودکانه برای بچه ها می تواند بگوید یا نه. مسأله یک قدری به نظرم حتماً فراتر از این حرف هاست. ریشه ای اش چند بُعد دارد یکی اش عواطف است. آقا عاطفه مهم است. توی حیات انسانی و تکون جامعه و تمدن حتماً عواطف باید سمت و سودها را مدیریت بشود، هوشمندانه در مسیر معارف الهی و تقرب حضرت حق. عاطفه حتماً توی هیأت نقش و سهم مؤثر دارد، به هیأت گره خورده. تصور این که ما

منبری آوردیم بحث معرفتی گفت همه برداشتند کاغذ و قلم یادداشت کردند، خیلی چیزهای مفیدی یاد گرفتند تلقی غلطی از مأموریت‌های ماست. حتماً باید روزه سیدالشهداء خوانده بشود. حتماً باید عواطف به قلبان در بیاید، شور و حماسه این وسط نقش محوری داشته باشد، عاطفه حتماً به خانواده ربط دارد. اصل روزه‌ها روزه‌های عاطفی است و الا این‌ها جنگ آور بودند. امیرالمؤمنین پهلوان عرب بوده، سیدالشهداء نامش نام یاوران و برادرانش رعشه به اندام دشمن می‌انداخته. بر حسب تاریخ، تاریخی که اهل سنت نگاشته‌اند. تاریخی که دشمنان بعضاً نوشته‌اند. مسأله، مسأله عاطفه است منتها عاطفه‌ای که ریشه دارد به فطرت مبتنی است، سراسر عقلانی است. دفاع از خانواده. ما ان شاء الله دل‌مان می‌خواهد، بچه‌های هیأتی این جور هستند دیگه، می‌خواهند مسانخت داشته باشند می‌شنوند دست بده با کرامت داشته امام حسن مجتبی، احوال زندگی‌شان توی کرامت فرق می‌کند. خداوند عالم هم برکت زندگی‌شان را بیشتر می‌کند. می‌شنوند یک خانواده‌ای بودند الهی جان همه ما و خانواده‌های مان فدای آن خانواده، سه شب و سه روز شاید چیزی نخوردند روزه بودند، بچه‌های کوچک توی خانه چیزی گیرشان نیامد، چون فقیری آمد، یتیمی آمد، همین ایام هم هست، یک کم دیگه. این برای بچه هیأتی تکلیف دارد ممکن است سنت درست کند این جا. ممکن است بگوید من بچه هیأتی روزهایی که علی مرتضی و فاطمه اطهر روزه بودند روزه می‌گیریم، شبش وظیفه خودمان را، نه این که هیچ نخورید، بخورید... ما تا علی شدن که افسانه‌ای برای ما بیش نیست، راه طولانی‌ای پیش داریم. اما علی‌وار می‌شود زیست. امام رحمة الله علیه آقا می‌فرمایند به همه فهماند علی‌وار زیستن افسانه نیست. می‌شود علی‌وار زیست؟ بله آن سه روز را بیاید روزه بگیرید خانوادگی. هیأت‌دارها، مسانخت را زیاد بکنیم، مسانخت حتماً این طوری است. سؤال اصلی این است؟ این‌ها همه‌اش مقدمه یک سؤال اصلی بعد بشنوم. چرا وظیفه تبیین دین خدا، وظیفه هدایت، وظیفه اقامه دین به عهده خانواده گذاشته شده، توی زمان رسول خدا حتماً وظایفی گردن بانو اولیاء مخدره خانم خدیجه کبری (س) است. گردن این خانواده وظایفی هست، چرا بعد پیامبر صدیقه طاهره باید برود جلوی درب خانه اصحاب یادآوری بکند. فاطمه زهرا تنهایی هم نمی‌رود، دست بچه‌اش را می‌گیرد، با هم‌دیگر می‌روند. مبارزه برای حق و حق طلبی خانوادگی است، تبلیغ دین خانوادگی است، تبلیغ دین حتماً تبیین دین که هیأت‌ها وظایف تبیینی دارند آقا به مداح‌ها گفتند شما وظیفه تبلیغی دارید، شما مبلغ هستید حتماً باید خانوادگی دنبال بشود. کما این که سیدالشهداء

می خواهد برود دست زن و بچه اش را می گیرد. آقا امام رضا که می خواهد برود حرف معتبری این جا نزد علما هست که به برادران و خواهرانش اذن داده، یا دستور داده که پا شوید دانه دانه بیایید ایران. اصلاً این امامزاده های بزرگوار یعنی مبارزه خانوادگی تمدنی علی بن موسی الرضا علیه جور طاغوت. ماجرا اساساً به خانواده پیوند خورده. وظیفه اقامه دین خدا به گردن یک اهل البیتی افتاده. اصلاً مضامین صحیح هم این جا معنی می شود. آقا زاده امام حسن مجتبی است. آقا زاده سیدالشهداء، آقا زاده علی اکبر است، از قدیم برای ما این جوری می خواندند دیگه. آقازادگی معیار هم معنی می شود. همه مضامین این جا درست معنی می شود. وظیفه اعضای خانواده، وظیفه فرزندان این جا معنی می شود. ما به فضل خداوند متعال به عنوان هیأت هایی که دل مان می خواهد مطلوب و مورد رضایت اهل بیت هیأت بگیریم مجلسی بگیریم، زمینه ساز نیل به ولایت عظمی باشد برای همه مان، به فضل خداوند عالم جدی گرفتیم مسأله خانواده را. خدا را شکر آقا این مسأله را تأکید کردند قبلاً هم اگر ذهن مان رسیده بود تثبیت و تقویت شده. حتماً هیأت به مدار اصیل و واقعی خودش توی مسیر بسط دین و گسترش معنویت و معرفت ان شاء الله مستقر خواهد شد و خواهد ایستاد. حتماً هیأت ها پر رونق تر خواهد شد. حتماً ما هم خوشحال هستیم شاید یک کاری که هیچ هم حساب نشود توی مسیر تقویت و رونق روضه سیدالشهداء برای ما هم ان شاء الله بنویسند کما این که برای خیلی ها نوشته اند. این را گفتم یک بار دیگه، شنیدید همه اهل روضه و هیأت هستید. ما کارمان شبیه ان شاء الله مسانختی داشته باشد، سید الساجدین است. یکی دعوت کرد امام سجاد را منزلش، آقا فرمودند که میلی و اشتیاقی برای مهمانی دیگر برایم نمانده. سال ها گذشته بود از کربلا. دعوت کرد، دید آقا این جوری فرمودند یا واقعاً نیتش بود یا زرنگ بود. گفت آقا مجلس روضه پدرتان است. آقا لبخند زدند گفتند می آیم. ظاهراً با اهل شان رفتند. رفتند توی مجلس که نشستند شاعر شروع کرد مدحی گفت و بعد هم روضه کربلا که خواند همه نگاه به سید الساجدین می کردند. آقا تاب که نیاورد زد زیر گریه، مجلس بلوا شد. شاعر آرام شد، بی تابی آقا را که دید یک ذره مجلس که به تعبیر ما آرام گرفت، از پشت پرده که مخدرات و بانوان آن جا مشغول عزاداری بودند صدای گریه نوزادی آمد، سید الساجدین بی تاب شد مجلس به هم ریخت. صاحب بیت می گوید.. شنیدید.. صاحب البیت می گوید من یک لحظه مشغول گریه بودم، سرم را آوردم بالا دیدم امام سجاد نیست. نیست احساس کردم آقا را اذیت کردیم. به هم ریختیم آقا را. دویدم رفتم بیرون دنبال آقا دیدم بیرون خانه ما، جلوی

در مشغول تکریم مهمانان است. حالا به قول ما مثلاً کفشی جفت می شود یا احترام به مهمانان می گذارند. سریع دویدم رفتم دست آقا را بوسیدم. گفتم آقا چرا من را این جور شرمنده می کنید، آقا امام سجاد(ع)، آی هیأتی های اهل توجه گفتند این جا مجلس روضه پدر من است من صاحب عزا هستم. مجلس روضه ای که ما ان شاء الله توی محرم برگزار می کنیم از جنس مجالس روضه ای باشد مسانخت داشته باشد با مجلس روضه ای که مورد رضایت اهل بیت است، به فضل خداوند عالم. ان شاء الله همه مان توی این مسیر خادم باشیم. بنده با افتخار و اشتیاق خادم شما می دانم خودم را. وظایف مان را ان شاء الله کوتاهی نمی کنم. آن چه که آقای آب فروش می فرمایند و آقای باباخانی می فرمایند. حتماً این جا جدی دنبال خواهد شد. چند دقیقه ای به اندازه کوتاه دو سه نفری اگر نمایندگی بکنند مطالب شان را راحت و بیرحمانه در مورد سازمان تبلیغات بگویند استفاده خواهیم کرد.

و السلام علیکم و رحمة الله.

پایان.